



معاونت پژوهش مدرسه علمیه عالی و تخصصی الزهراء(س)
گرگان



مهر ۹۹

شرح حدیث «شعار المومنین علی الصراط ربِّ سَلِّمِ سَلِّمِ»

این حدیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که نشانه و ویژگی مومنین بر صراط این است که می گویند پروردگارا ما را سالم بدار.

۱- معنای صراط به لحاظ لغوی:

صراط به معنی بزرگراه واضح و روشن است؛ در کتاب التحقیق آمده است: «الصراط هو الشارع الواضح ثم ان الصراط الحق هو الصراط الذی ینتهی الی السعاده و مرحله الکمال و محیط الفلاح و الحقیقه و هو الصراط المستقیم الذی لا عوج فیهِ و لا انحراف و قد تبینهُ و عرفهُ تعالی بقوله: ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا الصراط المستقیم.» از این تعریف به دست می آید که صراط راهی است که انسان را به سعادت و کمال می رساند و هیچ گونه انحراف و اعوجاجی در آن نیست. (۱)

۲- ویژگیهای صراط و فرق آن با سبیل و طریق

الف- صراط مفرد است، بخلاف سبیل که جمع آن سَبُل است. "فاسلکی سَبُل" (۲)
ب- طریق جمع آن طرائق است. "سبع طرائق" (۳)

نکته؛ "صراط" بیش از ۴۰ بار در قرآن مفرد آمده، البته حضرت آیت الله جوادی آملی (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب تسنیم جلد ۱، صفحه ۴۸۶ می فرماید: "صراط در قرآن گرچه تشبیه و ندارد، ولی با تعبیر مانند کل تعدد و کثرت آن مطرح شده، مثلاً در نقل سخنان حضرت شعیب علیه السلام خطاب به قومش می فرماید: "وَ لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ" بر هر صراطی ننشینید. (۴) اما صراط یک واحد هماهنگ است همانند نور آفتاب که اشیاء و مکانهای مختلف و متکثر را روشن می کند اما یک نور است، زیرا مراد از ممیزه های صراط وحدت، خصوص وحدت عددی نیست تا با تعدد منافات داشته

باشد، چون ممکن است چیزی دارای انبساطی و گسترده باشد که بر اثر برخورد با قوایل متعدد و کثیر گردد لیکن وحدت واقعی آن محفوظ است، بنابراین کثرتی که از عنوان "کل صراط" استفاده می شود یا ناظر به شئون، مقاطع، منازل و مراحل همان صراط واحد مستقیم است و یا معنای سبیل را به همراه دارد که تعدد پذیر است."

۲- صراط به راه اصلی می گویند. در حالی که سبیل و طریق به راه فرعی گفته

می شود.

۳- صراط فقط راه راست است. در حالی که سبیل و طریق هم راه درست هم راه

نادرست گفته می شود.

مشخصه های صراط:

۱. مستقیم بودن: حضرت آیت الله جوادی آملی (رضوان الله): مستقیم قید

توضیحی صراط است نه احترازی. (۵)

۲. صراط بسیار دقیق و ظریف است، چنانکه در کلام امام صادق (علیه السلام)

آمده است: "الصِّرَاطُ اَدْقُ مِنَ الشَّعْرِ وَاَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ وَاَظْلَمُ مِنَ اللَّيْلِ". صراط از مو باریک تر و از لبه شمشیر تیزتر و از شب سیاهتر است. (۶)

۳. صراط به خداوند مرتبط است. حضرت آیت الله جوادی آملی (رضوان الله) می

فرمایند: صراط بزرگراهی است که از یک سو به خدای سبحان مرتبط است (از این رو واحد است نه کثیر) و از سوی دیگر در فطرت یکایک انسانها قرار دارد و از نهاد آنها آغاز می شود و از این رو پیمودن آن دشوار نیست و هر کس آن را بپیماید به لقاء الله می رسد. (۷)

در جای دیگر می فرماید: صراط مستقیم بزرگراهی است که ورود به آن، ورود به

حوزه امنیت، سلامت و هدایت است و از این رو در روایات بر قرآن و معصوم (علیه السلام) تطبیق شده است و همچنین در زبان عربی از بزرگراه به این جهت که رهرو در آن از گم شدن مصون است به امام تعبیر شده است "وإنهما لبامام مبين" (۸) حرکت به

دنبال قرآن و امام معصوم (علیه السلام) نیز گام نهادن در بزرگرایی است که یقیناً به مقصد منتهی می شود و صراط همین بزرگراه است.

۳- جایگاه صراط

در این زمینه نظرات مختلفی وجود دارد:

نظر اول: حضرت امام (رحمه الله علیه): امام در بحث معاد می فرمایند: ما الان در صراط مستقیم هستیم، همان صراطی که یک طرفش دنیاست و یک طرفش آخرت و ما الان در صراط داریم حرکت می کنیم. این پرده که برداشته شد، آن وقت صراط جهنم که از متن جهنم می گذرد یعنی آتش درونش را گرفته، این از وسط اینجا می گذرد، باید از اینجا عبور کنید، دنیا همین جور است، فساد که همان آتش است بر شما احاطه کرده باید از همین فساد عبور کنید بطوری که سالم عبور کنید. (۹)

امام در جای دیگر کتاب این گونه بیان می کنند: ما همه در صراط هستیم و صراط از متن جهنم عبور می کند، باطنش در آن عالم ظاهر می شود در این جا هر انسانی صراطی به خود دارد و حال سیر است یا در صراط مستقیم که منتهی به بهشت می شود و بالاتر و یا صراط منحرف از چپ یا منحرف به سوی چپ و راست که هر دو به جهنم منتهی می شود و ما از خداوند منان آرزوی صراط مستقیم می کنیم "اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم" که انحراف: از یک سو است و لا الضالین" که انحراف از سوی دیگر و این حقایق در حشر، بطور عیان مشهود می شود. صراط جهنم که در توصیف آن از حیث دقت، وحدت و ظلمت نقل گردیده است، باطن صراط مستقیم در این جهان است. (۱۰)

صراط مستقیم الهی از این جا شروع می شود و جسر جهنم از دنیا تا بهشت امتداد دارد و شما الان در بین راه هستید و در صراط هستید. (۱۱)

نظر دوم: شیخ صدوق (رضوان الله تعالی علیه)

ایشان چنین بیان می کنند: "اعتقادنا فی الصراط أنه حق و أنه جسر جهنم و أن
علیه ممر جمیع الخلق قال الله عزوجل وَ إِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا
مَّقْضِيًّا" (۱۲)

در نتیجه از نظر امام «رحمه الله علیه» صراط حقیقت دین است و جایگاه آن در
همین دنیا است و از نظر شیخ صدوق «رحمه الله علیه» صراط پلی است بر جهنم و جایگاه
آن در آخرت است.

۴- حقیقت صراط

قران کریم، صراط مستقیم را همان دین معرفی می کند "قل اننی هدانی ربی الی
صراط مستقیم دیناً قیماً" (۱۳)

در تعریف دین چنین آمده: دین مجموعه ای از اعتقادات، اخلاق و احکام است که
در لسان آیات و روایات بیان می شود.

در نتیجه اگر کسی سراسر دین را به خوبی فهمید و به درستی به آن عمل کرد،
خود صراط مستقیم می شود و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بر همین
اساس فرموده اند: "والله نحن الصراط السمتقیم" (۱۴) پس در این صورت دین دو مصداق
پیدا می کند:

۱) مجموعه معارف و قوانین و دستوراتی است که وجود نوشتاری آن در کتاب و
سنت آمده است.

۲) وجود شخص پیامبران و امامان، پس قرآن و عترت هر دو مصداق صراط
مستقیم هستند.

حضرت آیت الله جوادی آملی (رضوان الله تعالی علیه) می فرماید: صراط مستقیم
در دنیا به صورت دین و اولیای آن یعنی پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) ظهور
می کند و در آخرت به صورت پلی بر روی جهنم است، غضب مال یتیم نیز در دنیا با

عنوان حرام بیان می شود و در آخرت به صورت شعله عیان می گردد، پس حرام خواران هم اکنون در آتشند. (۱۵)

۵- فرق صراط معنوی با صراط های مادی

۱. صراط دین در جهان خارج به صورت راهی از پیش ساخته و کشیده شده نیست تا سالک آن راه موجود را بیپیماید، راه همواره بالقوه موجود است و راهیان با رفتن خود آن را از قوه به فعلیت آورده و با خود متحد می کنند و در نتیجه به آن متصف می شوند بخلاف راههای مادی.

۲- صراط معنوی با راهی متحد است.

توضیح: قبل از حرکت متدینان، دین در خارج موجود عینی نیست تا انسان در دین موجود حرکت کند بلکه قبل از حرکت یک سلسله معارف و دستورات کلی دینی وجود دارد که با فراگرفتن و عمل به آنها دین عینیت می یابد، آنگاه با آن متحد و سپس به آن متصف می شود و پس از پیمودن این مراحل موصوف به تدین و ایمان می شود، پس دین در خارج با حرکت انسان ها موجود می شود و بین راه و رونده پیوند وجودی است که آن دو را با هم متحد می کند. به عبارتی: آنچه قبل از عمل موجود است وجود نوشتاری، گفتاری و مفهومی است و اینها هیچ یک راه نیست، این طی مسافت است که راه را ایجاد و با راهی متحد می سازد.

۳- در صراط معنوی راهی با حرکتش صیوروت پیدا می کند، بخلاف راه مادی که راهی تنها سیر می کند و صیوروتی در کار نیست.

فرق سیر و صیروت

سیر: به معنای حرکت است که در اجرام زمینی و آسمانی وجود دارد. صیوروت: یعنی تحول و شدن از نوع به نوع دیگر و از منزلتی به منزلت دیگر و از مرحله ای به مرحله دیگر، تکامل یافتن مانند میوه که از خاک حرکت می کند و مراحل گوناگون را طی می کند تا پخته و کامل گردد.

اولی سیر است دومی سیورورت. (میوه از خاک حرکت و مراحل مختلف را طی تا رسیده و پخته می شود).

۴- راه، راهی را می سازد و راهی را به شکل خودش در می آورد اگر راه مستقیم باشد راهی همینطور ساخته می شود. اگر راه کج باشد راهی همانطور ساخته می شود.

حضرت آیت الله جوادی آملی (رضوان الله تعالی علیه) :

"در هر جهت صراط در دنیا یا آخرت، پلی فراهم آمده از فلز یا سنگ و چوب نیست بلکه در دنیا به صورت دین که مجموعه اعتقاد، اخلاق و عمل است و همچنین به صورت پیامبران و امامان که دین مجسم هستند ظهور می کند، و در جهان آخرت نیز متناسب با حقایق آن نشئه به صورت پلی ظهور می کند که یک سمت آن موقف قیامت و پایشان بهشت رحمت است". (۱۶)

۶- نظر حضرت امام (رحمه الله علیه) و شیخ صدوق (رحمه الله علیه) از

آیه: "و ان منکم الاواردها کان علی ربک حتماً مقضیاً" (۱۷) چیست؟

حضرت امام (رحمه الله علیه) و شیخ صدوق (رحمه الله علیه) هر دو به این آیه استناد کرده و همه مفسرین ضمیر را به جهنم بر می گردانند، البته مفسران اختلاف دارند که ورود همگان به دوزخ به معنای دخول است یا اشراف.

البته عده ای که ورود را به معنای اشراف گرفته اند دلیل آورده اند که اولیای الهی به جهنم نمی روند و بی حساب وارد بهشت می شوند. عده ای ورود را به معنای دخول گرفته اند.

حضرت آیت الله جوادی آملی (رضوان الله تعالی علیه) می فرماید:

"در هر جهت ورود به معنای اشراف باشد یا دخول به هر تقدیر جهنم بر سر راه بهشت است و بهشتیان پس از عبور از جهنم وارد بهشت می شود و اما دور بودن بهشتیان از جهنم که در آیه کریمه "اولئک عنہا مبعدون" آمده است ممکن است مربوط به بعد از ورود و گذر از جهنم باشد، عبور بهشتیان در قیامت از آتش، ضمن این

که بازتاب نظام زندگی دنیاست، این ثمره نیکو را دارد که موجب مزید شکر بهشتیان خواهد شد زیرا آنها با عبور از دوزخ در می یابند که از چه مرحله پرخطر و مقطع هولناکی رسته اند."

"انّ الله لا يدخل أحداً الجنّة حتّى يطلعّه على النّار و ما فيها من العذاب ليعلم تمام فضل الله عليه و کمال لطفه و إحسانه إليه فیزداد لذلك فرحاً و سروراً بالجنه و نعيمهما" (۱۸)

اما مراد از جهنم از نظر شیخ صدوق مکانی است در جهان آخرت که گناهکاران عذاب می شوند (۱۹) و از نظر حضرت امام (رحمه الله علیه): همان دار طبیعت است. (۲۰)

۷- آیا همه مردم باید از صراط عبور کنند؟

بله ؛ به دو دلیل:

۱- آیه شریفه "وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا" (۲۱) که از نظر حضرت امام (رحمه الله علیه): مراد از جهنم؛ همان دار طبیعت است که همه انسان ها از آن عبور می کنند.

۲- بیان شد که صراط در همین دنیا است و صراط آخرت در باطن همین صراط تکون می یابد و ساخته می شود. در حقیقت صراط دنیا و آخرت ظاهر و باطن یک حقیقت اند؛ لذا ما هر روز که در نماز می گوئیم: "اهدنا الصراط المستقیم" از خداوند هدایت در صراط دنیا را می خواهیم؛ پس صراط مستقیم همین صراط دنیاست، همه از آن عبور می کنند.

۸- آیا همه می توانند عبور کنند؟ انسان ها در عبور از صراط متفاوتند و این

نشان دهنده آن است که هر کس بسته به نوع حرکتش در دنیا و چگونگی عقیده، عمل و اخلاق عبور های مختلفی از صراط خواهند داشت، اگر کسی در دنیا از کنار گناه به سرعت عبور کند و آلوده آن نشود و در فردای قیامت هم از این راهی که به سوی بهشت منتهی می شود به سرعت عبور خواهد کرد.

هر چه سیر انسان در دنیا در مسیر ایمان، بندگی و عمل صالح بیشتر باشد، عبور او از صراط سربع تر است و هر چه مسیر انسان در مسیر مخالف با اوامر و نواهی باشد، حرکت او در صراط کندتر است.

حضرت آیت الله جوادی آملی (رضوان الله تعالی علیه) می فرماید:

اختلاف در نحوه عبور از دنیاست، بازتاب نحوه پیمودن صراط مستقیم در دنیاست، آنان که در دنیا صراط مستقیم را به آسانی و با رغبت پیمودند، آنجا نیز همانند برقی جهنده از آن می گذرند، اما اگر در دنیا، گاهی پایبند دیانت و زمانی هم به دنبال راههای انحرافی بودند، صراط آخرت را اُفتان و خیزان طی می کنند. در این زمینه حدیثی از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد است که می فرمایند: "يَرِدُ النَّاسُ النَّارَ، ثُمَّ يَصْدُرُونَ بِأَعْمَالِهِمْ، فَأَوْلَاهُمْ كَلِمَحِ الْبَرِّ، ثُمَّ كَمَرِّ الرِّيحِ، ثُمَّ كَحَضْرِ الْفَرَسِ، ثُمَّ كَالرَّاكِبِ، ثُمَّ كَشَدِّ الرَّجْلِ ثُمَّ كَمَشْيِهِ". (۲۲)

۹- منظور از شعار چیست؟

شعار به معنای علامت و نشانه است. "الشعار علامة القوم في الحرب، وهو ما ينادون به ليعرف بعضهم بعضاً" (۲۳)

۱۰- الف) این شعار چگونه حاصل می شود؟ ب) کجا نمایان می شود؟

ج) چگونه نمایان می شود؟

الف) در صراط دنیا شکل می گیرد، ما الان در صراط هستیم، در صراط دنیا با عبور از آن چهره ملکوتی خود را که در عالم بعد نمایان می شود می سازیم.

ب) در عالم بعد از مرگ نمایان می شود (۲۴) "لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ" البته برای عده ای در همین دنیا نمایان می شود. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: "لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا أزدَدْتُ يَقِينًا" اگر همه پرده ها فرو افتد، چیزی بر یقین من اضافه نمی شود. (۲۵) یا جریان حارثه بن مالک و

گزارش او از بهشت و جهنم و دوزخیان و تصدیق رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به آن.

ج) از آنجا که در صراط دنیا صورت ملکوتی انسان شکل می گیرد، همان شکلی که در این دنیا ساخته ایم در آن عالم نمایان می شود. لذا در قیامت هر انسان به صورت اخلاق و ملکات درونی خویش محشور می شود، هر انسانی به صورت همان ملکه ای شکل می گیرد که آن را تحصیل کرده و با آن پرورده شده است، لذا قرآن می فرماید: "یوم ینفخ فی الصور فتاتون افواجا"(۲۶). در ذیل این آیه، حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) است که: "عده ای به شکل خوک، برخی کر و گنگ و برخی به شکل بوزینه... محشور می شوند. به عبارتی؛ در قیامت باطن ظاهر می شود و ظاهر به شکل باطن تصور می شود.

محقق: سرکارخانم میر کریمی

فهرست منابع

۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، جلد ۶، ص ۲۲۹
۲. سوره نحل، آیه ۱۷
۳. سوره مومنون، آیه ۱۷
۴. سوره اعراف، آیه ۸۶
۵. تفسیر تسنیم، ص ۴۵۸
۶. تفسیر نورالثقلین، جلد ۲ و ۸ صفحه ۲۱ و بحار الانوار، ص ۶۵
۷. تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۴۵۷
۸. سوره حجر، آیه ۷۹
۹. دفتر سی ام تبیان، معاد از دیدگاه امام خمینی(رحمه الله علیه) موسسه تنظیم و نشر آثار امام(رحمه الله علیه)، ص ۲۷۸
۱۰. معاد از دیدگاه امام(رحمه الله علیه)، ص ۲۷۹

۱۱. همان، ص ۲۷۹ و ۲۷۸
۱۲. مریم، ۷۱ و اعتقادات صدوق، ص ۷۰
۱۳. انعام، ۱۶۱
۱۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲ و تفسیر تسنیم آیت الله جوادی آملی، ص ۲۹۹
۱۵. همان، ج ۱، ص ۵۱۲
۱۶. تفسیر تسنیم، ص ۵۰۸
۱۷. سوره مریم، آیه ۷۱
۱۸. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۵۰ و آیت الله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۵۱۰ و ۵۱۱
۱۹. اعتقادات صدوق، ص ۷۰
۲۰. معاد از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه) موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (رحمه الله علیه).
۲۱. سوره مریم، آیه ۷۱
۲۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۴۹
۲۳. التحقيق، جلد ۶، ص ۷۳
۲۴. سوره ق، آیه ۲۲
۲۵. بحار الانوار، ص ۱۵۳
۲۶. سوره نبا، آیه ۱۸